

به نام خدای مهربان

# مکبث

داستان‌های شکسپیر برای نوجوانان

نویسنده: شکسپیر  
بازنویشته‌ی اندرو ماتیوز  
ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد  
تصویرگر: تونی راس

## فهرست

۴	گروه بازیگران
۷	مکبث
۶۰	شرارت در مکبث
۶۲	شکسپیر و تئاتر کلوب



### مکبث

ویلیام شکسپیر  
ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد  
ویراستار: پریسا همایون‌روز  
طرح روی جلد: کیانوش غریب‌پور  
صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سیدمهدی مظلوم - علی تاجیک)  
کد: ۷۹/۳۲۵  
چاپ و صحافی: قدیانی  
چاپ دوم: ۱۳۹۲ • تیراژ: ۲۰۰۰ جلد  
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۳۳۴-۳  
کلیه‌ی حقوق محفوظ است.



سرشناسه: ماتیوز، اندرو، ۱۹۴۸ م، اقتباس کننده Matthews, Andrew  
عنوان و نام پدیدآور: مکبث: داستان‌های شکسپیر برای نوجوانان  
نویسنده شکسپیر؛ بازنویسی اندرو ماتیوز؛ (تصویرگر تونی راس)؛ ترجمه‌ی جواد ثابت‌نژاد.  
مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک، مشخصات ظاهری: ۶۴ ص. مصور  
شابک: ۳-۳۳۴-۳۰۷-۹۶۴-۹۷۸ / وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: Makbeth : a shakespeare story  
موضوع: شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م. مکبث - اقتباس‌ها  
موضوع: نمایشنامه انگلیسی - قرن ۱۶ م.  
شناسه افزوده: راس، تونی، ۱۹۲۸ م، تصویرگر Ross, Tony  
شناسه افزوده: ثابت‌نژاد، جواد، ۱۳۴۰، مترجم  
رده‌بندی کنگره: PR  
رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۳۳  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۷۹۷۳

## گروه بازیگران



سه ساحره یا خواهران مرموز



مکبث  
خان گلامیس  
فرماندهی شاه دنکان



بانو مکبث  
همسر مکبث



بانکوو  
فرماندهی شاه دنکان



شاه دنکان  
شاه اسکاتلند



ملکوم و دونالین  
پسران شاه



مکدف  
از نجبای اسکاتلند



خدمتکار قلعه‌ی گلامیس



دو قاتل

صحنه  
اسکاتلند در قرن یازدهم

## مکبث



باز کی همدیگر را خواهیم دید؟  
در رعد و برق یا در باران؟  
وقتی که آشوب پایان یافته و  
برنده و بازنده‌ی جنگ معین شده باشد.

نخستین و دومین ساحره

سه ساحره تمام روز کنار میدان جنگ انتظار می‌کشیدند  
و در غبار و جادو پنهان شده بودند. آن‌ها شاهد پیروزی  
لشکر اسکاتلند بر نیروهای متجاوز نروژ بودند و بعد از  
آن که جنگ تمام شد، از موپه‌های مرگ مشعوف شدند.

رعدی غرید و باران فرو ریخت. یکی از ساحره‌ها بینی  
درازش را به طرف باد گرفت و مثل سگ هوا را بو کشید  
گفت: «او به زودی به این جا می آید.»



۸

ساحره‌ی دوم به موی  
خاکستری رویداده بر  
چانه‌اش دست کشید.  
سپس نیشخند زد،  
لته‌هایش را نشان داد  
و گفت: «خواهرها!



من صدای سُم‌ها را می شنوم.»  
ساحره‌ی سوم قطعه‌ای دُرّ  
کوهی را جلوی چشمان نایبنا و شیری رنگ خود گرفت.

انگار درون بلور چیزی  
حرکت می‌کرد.  
ساحره جیغ زد:  
«من او را می بینم.  
دارد می آید!  
بگذار جادو عمل کند.»



۹

دو فرماندهی اسکاتلندی به آهستگی از میدان جنگ خارج شدند. سرهای آنان به خاطر باریدن باران به طرف پایین بود.



یکی از آنان مکبث، خان گلامیس، شجاع‌ترین سرباز در لشکر دنکان بود. او قدی بلند، شانه‌هایی پهن و چهره‌ای جنگجو داشت. بینی‌اش شکسته بود و زخمی از جنگ‌های قبل داشت.

رفیق و همراه او، بانکوو، جوان‌تر و لاغر بود. دهان او آماده‌ی خندیدن بود؛ گرچه در آن لحظه نمی‌خندید. چشمان سیاه مکبث مات بود؛ چون یادآور جزئیات کشتار آن روز بود.

مکبث اندیشید: «این جنگ سخت برای حمایت از شاه‌ی ضعیف و پیر بود. اگر من بر اسکاتلند حکومت می‌کردم...»

افکار او در رؤیایی آشنا غوطه‌ور شدند. او خود را می‌دید که روی تخت پادشاهی نشسته است و تاج اسکاتلند را بر سر دارد.



ناگهان اسب او عقب رفت، شیشه کشید و چشمانش از ترس گشاد شدند. مکبث تقلا کرد تا اسب را کنترل کند. همان لحظه پرتوی از نور درخشید و هوا را به رنگ بنفش درآورد. مکبث در آن نور وهم آور، سه جادوگر شرور را دید که راه را سد کرده بودند. موی ژولیده و ردهای ژنده‌ی در حال حرکتشان مثل پرچم‌های پاره‌ای در باد بود.



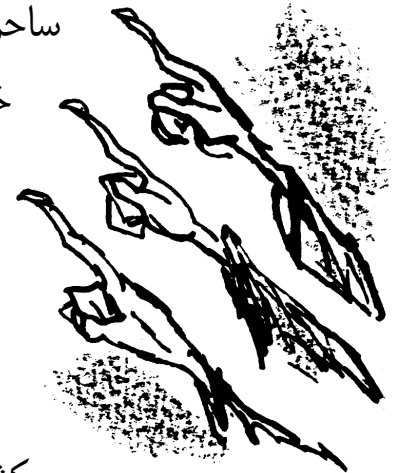
دست مکبث به طرف  
شمشیرش رفت، ولی  
بانکو و با هشدار فوری  
او را آرام کرد و گفت: «نه،  
دوست من! گمان نمی‌کنم



شمشیر بتواند، به مخلوقاتی مثل این‌ها آسیب برساند.»  
ترس ناخوشایندی دل مکبث را فراگرفت و غرغری کرد  
تا آن را مخفی نماید. او از ساحره‌ها پرسید: «چه

می‌خواهید؟ کنار بایستید!»

ساحره‌ها با هم بازوی‌های چپ  
خود را بلند کردند و انگشتان  
کج و کوله‌ی خود را به  
طرف مکبث نشانه گرفتند.  
وقتی شروع به حرف زدن  
کردند، صدایشان مثل  
کشیدن آهن روی سنگ بود.



- سلام بر مکبث، خانِ گلامیس!

- سلام بر مکبث، خانِ کادور!

- سلام بر مکبث که شاه خواهد شد!

مکبث نفسی بیرون داد. چطور پیرزنان فرتوت و

چروکیده‌ای مثل آن‌ها افکار سزّی او را می‌خواندند؟

ساحره‌ها انگشتان خود را به طرف بانکو و گرفتند و فریاد

زدند: «سلام، بانکو! فرزندان تو شاه خواهند شد!»

سپس هر سه مانند بخار روی آئینه محو شدند.

